

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه

۰۷ نومبر ۲۰۲۱



یونس نگاه

جمهوری لذت

نگاهی که ما به لذت داریم، منابع و انرژی ما را سمت می‌دهد، هدف و حدود توانایی جمعی را رقم می‌زند. ازین‌رو بسیار بر حاصل کار اثرگذار است.

آنانی که به‌ظاهر در موضع دفاع از دموکراسی قرار داشتند در باتلاق لذت فرو رفته بودند و تمام منابع را به سمت حداکثرسازی لذت سوق می‌دادند، برای تقسیم منابع بر معیار افزایش لذت و راحتی خود باهم درگیر می‌شدند. لذت اما نهایت ندارد و می‌توان آن را تا مصرف جان و جهان خود ادامه داد.

غایت آزادی بر روی ورق فرصت کار و تلاش بیشتر برای تأمین رفاه فردی و جمعی بود اما در عمل آزادی جز فضائی برای حداکثرسازی لذت کسب سرمایه، افزایش نفوذ اجتماعی، بالارفتن به پله‌های قدرت، سفر و تفریح، خلوت و آرامش فردی نبود. کار به‌جائی کشیده بود که رهبران و منتقدان، نزدیکترین حامیان و همراهان خود را می‌فروختند و با سرمایه‌های اجتماعی خود مثل کاهدان برخورد می‌کردند.

جمعیت گردآمده بر دسترخوان جمهوری اسلامی در سال‌های آخر به دسته‌های مگس بیشتر شباهت داشتند تا مدیران و رهبران ملت یا مدافعان دموکراسی و آزادی. همه چاق شده و از تحرک مانده بودند. تنبلی بیداد می‌کرد. خودخواهی و دزدی ننگ نبود. زورگوئی مد شده بود.

در آن‌سوی، میان طالبان زحمت حکومت می‌کرد و معیار سنجش حدود طالب بودن افراد مقدار دوری از لذت و تحمل بیشتر زحمت بود. قومندانان ساحه ئی طالبان مثل جنرالان جمهوری اسلامی شکم نداشتند، لباس زیبا نمی‌پوشیدند، در موترهای لوکس نمی‌گشتند بلکه بسیار سبکتر و چابکتر بودند. به جنگجویان خود بسیار نزدیکتر بودند. جنگجویان طالب را نیز سند، القاب، مدال و ترفیع نه، بلکه از خودگذری و منافع جمعی گروه جهت می‌داد.

ادارات نظامی و ملکی جمهوری اسلامی در ماه‌های آخر پر از رزمنده نبود بلکه پر از مگس‌های کور بود که زیر ضربات کشنده پشه‌کش‌های پاکستان و دیگر بازیگران قدرتمند نیز مصروف لیسیدن و بلعیدن بودند. حتی در آخرین

روز سقوط، رهبران سیاسی مصروف ته وبالا کردن بوجی‌ها بوده‌اند. می‌گویند از هلیکوپترهای غنی هنگام پرواز بوجی‌های پول پاشیده شده بود. اگر پاشیدن پول واقعیت هم نداشته باشد، ذهنیت حاکم در جمهوری اسلامی را برملا می‌کند. حتی هنگام فرار نیز یکی از قصه‌های داغ مگس‌ها سرنوشت بوجی‌های شیرین بود.

لذت، طعمه طبیعت است برای گرم نگاهداشتن ماشین استحصالی اش. هرچه شکر بیشتر بخورید، زودتر استحصال می‌شوید. آنانی که لذت را به تعویق می‌اندازند و زحمت را ترجیح می‌دهند، درواقع از طعمه می‌گریزند و بیشتر تاب می‌آورند. در اجتماع نیز همین‌طور است. سر فروکردن در کندوی لذت جوامع را برباد داده است، کشورها را به ویرانه مبدل کرده و مدنیت‌ها را به‌زانو درآورده است.

افراط در لذت ویران‌گر است و آنانی که از مگس‌شدن خود جلوگیری بتوانند پیروز خواهند شد.